

Fāṭimid Cairo: From a Royal City to a Civilizational Center of the Islamic World

Zeinab Fazli¹ 

1. Assistant professor at the Department of History of Islamic Culture and Civilization, Faculty of Theology and Islamic Studies, Alzahra University, Tehran, Iran (z.fazli@alzahra.ac.ir)

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 22 December 2024
Received in revised form:
25 January 2025
Accepted: 28 February 2025
Published online: 18 May 2025

Keywords:
*Islamic Civilization,
Muslim Urbanism,
Fāṭimid Civilization,
Fāṭimid Cairo,
Islamic Cities*

ABSTRACT

Founded in 358 AH as the political and administrative capital of the Fāṭimid state, the city of al-Qāhira (Cairo) holds a prominent position both in the historical trajectory of Egypt and North Africa, and as one of the foremost cultural and civilizational hubs of the Islamic era. The transformation of Cairo—from a newly established city designated for the ruling Fāṭimid family, statesmen, and military elite, into a dynamic urban center characterized by social and commercial vibrancy—stands out during the Fāṭimid period. Based on the findings of this study, the history of Fāṭimid Cairo can be divided into two distinct phases: an early stage of growth and prosperity, followed by a later phase of expansion and enhancement. The favorable geographical positioning of the city, combined with the Fāṭimids' dedication to establishing essential urban infrastructure and institutions, enabled it to evolve into a major civilizational center within the Islamic world. Even after the political power of the Fāṭimid rulers began to wane, the enduring urban and civilizational foundations enabled continued development under capable and influential viziers. As a result, late Fāṭimid Cairo not only retained but amplified its status as a civilizational nucleus. These unique features solidified Cairo's lasting prominence among the cities of Egypt and North Africa, laying the groundwork for its continued significance in the post-Fāṭimid eras.

Cite this article: Fazli, Z. (2025). Fāṭimid Cairo: From a Royal City to a Civilizational Center of the Islamic World. *Iranian Journal for the History of Islamic Civilization*, 57(2), 231-258.
DOI: 10.22059/jhic.2025.387443.654547



© The Author(s).
DOI: 10.22059/jhic.2025.387443.654547

Publisher: University of Tehran Press.

قاهره فاطمی: از شهری سلطنتی تا مرکزی تمدنی برای جهان اسلام

زینب فضلی^۱

۱. استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، رایانامه: z.fazli@alzahra.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸ کلید واژه‌ها: تمدن اسلامی، تمدن فاطمیان، شهرهای اسلامی، شهرسازی مسلمانان، قاهره فاطمی.	شهر قاهره که به عنوان مرکزی سیاسی و اداری برای دولت فاطمی در ۳۵۸ هجری بنا نهاده شد، هم به عنوان یک شهر مهم در تاریخ مصر و شمال آفریقا و هم به عنوان یکی از مهم ترین مراکز فرهنگی و تمدنی دوره اسلامی در بین شهرهای اسلامی اهمیت شایانی دارد. شهر قاهره را باید نماد تمدنی برای دوره فاطمیان به شمار آورد که از منظر تاریخ شهری، نقطه عطف مهمی در تاریخ مصر دوران اسلامی محسوب می شود. در این میان، تحولات تاریخی قاهره، از شهری نو تأسیس و مختص سکونت خاندان حاکمه، دولتمردان و سپاهیان فاطمی تا شهری پررونق از نظر اجتماعی و تجاری و پرشکوه در همین دوره فاطمیان در خور توجه است. بررسی تاریخی متکی بر تحولات شهری قاهره، می تواند بازتاب دهنده سرگذشت کلی مراکز تمدنی در جهان اسلام پیشامدرن نیز باشد. بنابر یافته های این پژوهش، تاریخ قاهره فاطمی را می توان در دو دوره متفاوت، دوران رشد و شکوفایی نخستین و دوران رشد و توسعه متاخر تقسیم کرد. مکان یابی مناسب و مطلوب و اهتمام فاطمیان به توسعه قاهره فاطمی نخستین، با بنیان نهادن بناها و نهادهای مورد نیاز زندگی شهری و الزامات یک شهر، آن را به یکی از مراکز مهم تمدنی جهان اسلام آن روزگاران مبدل کرد. همچنین، با وجود کاستی یافتن قدرت سیاسی حاکمان فاطمی به سبب برخورداری از بنیان های مطلوب شهری و تمدنی دوران متاخر نیز، توسعه قاهره از سوی وزیران صاحب قدرت و مکتب فاطمی ادامه یافت تا جایی که قاهره فاطمی متأخر، نه تنها مرکزیت تمدنی خود را حفظ نمود، بلکه ارتقاء هم داد. این ویژگی های منحصر به فرد قاهره فاطمی در بین شهرهای مصر و شمال آفریقا، زمینه استمرار جایگاه آن در ادوار پسافاطمی را فراهم آورد.

استناد: فضلی، زینب (۱۴۰۳). قاهره فاطمی: از شهری سلطنتی تا مرکزی تمدنی برای جهان اسلام. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۷(۲)، ۲۳۱-۲۵۸.
DOI: 10.22059/jhic.2025.387443.654547



© نویسندگان.

DOI: 10.22059/jhic.2025.387443.654547

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

درهم‌تنیدگی شهر و تمدن در بیشتر دوره‌های تاریخی تا بدانجا بود که بخش زیادی از تحولات تاریخی تمدن‌ها، در فضاهای شهری و با محوریت شهرها بوده است؛ بنابراین مطالعه تاریخ تمدن‌ها بدون توجه به شهرها و تاریخ شهری دشوار خواهد بود. این مهم درباره تمدن اسلامی و دوره‌های تاریخی-تمدنی مختلف آن نیز صادق است. دوره فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷هـ) به واسطه ویژگی‌های تاریخی و ابعاد مختلف تمدنی آن، همواره یکی از ادوار مهم و شکوفای تاریخ تمدن اسلامی محسوب می‌شود. در این میان، با وجود اینکه سرزمین مصر قلمرو اصلی و محوری فاطمیان از نیمه دوم قرن چهارم هجری تا برافتادن این سلسله در نیمه دوم قرن ششم هجری محسوب می‌شود و بخش زیادی از میراث و مظاهر تمدنی عصر فاطمی در این سرزمین جلوه‌گر شد، اما بین قاهره پایتخت دولت فاطمی با تمدن این دوره، پیوندی ناگسستگی ایجاد گردید. از این‌رو، هرگونه بحث درباره مسائل تمدنی این دوره، بدون توجه به این شهر و تحولات آن نه تنها دشوار، بلکه تا حدود زیادی غیرممکن به نظر می‌رسد. افزون بر این، در بازخوانی و بررسی تاریخ تمدن اسلامی نیز به ناگزیر باید به قاهره به عنوان یکی از مراکز مهم تمدنی اسلامی توجه داشت؛ شهری که از زمان تأسیس تاکنون و در امتداد تمدنی مسلمانان در شمال آفریقا همواره نقش مهمی ایفا کرده است. این شهر در عصر فاطمیان تا بدان حد در مسیر آبادانی و توسعه قرار گرفت که در مقاطعی، از بغداد، قرطبه و دیگر مراکز مهم و اصلی تمدن اسلامی آن روزگار فراتر رفت (کونل، ۱۳۸۴: ۴۴). بنیان‌های تمدنی شهر قاهره در این دوره، به گونه‌ای استوار شد که در ادوار بعد از فاطمیان، یعنی ایوبیان (۵۶۹-۶۴۸هـ) و ممالیک (۶۴۸-۹۲۳هـ) و تسلط عثمانی‌ها بر مصر (از ۹۲۲هـ به بعد)، این شهر جایگاه برتر خود را در مصر و به عنوان مرکز سیاسی، اداری و تمدنی آن حفظ کرد. در واقع، اگر امروزه از شهر قاهره به عنوان «یکی از مهم‌ترین مراکز مذهبی، فرهنگی جهان اسلام» یاد می‌شود (Rogers, 1997: iv/425) این مهم، بیش از هر گروه و دوره‌ای مدیون بنیان‌گذاران آن، یعنی فاطمیان است. با این اوصاف، با وجود مطالعات متعددی که درباره تاریخ فاطمیان و نیز شهر قاهره صورت گرفت، همچنان جایگاه تمدنی قاهره در عصر فاطمی، که از آن با نام «قاهره فاطمی» یاد می‌شود، آنچنان که باید، تحلیل نشده است. از این‌رو، پژوهش حاضر برآن است با اتکاء بر اهم تطورات شهری قاهره فاطمی و روش مطالعه تاریخ شهری و شهرسازی، از زمان تأسیس آن در ۳۵۸هـ تا برافتادن آن در ۵۶۷هـ و نیز تأثیر تحولات تاریخی مؤثر بر تحولات شهری قاهره، تا حد امکان جایگاه این مرکز تمدنی در تاریخ تمدن اسلامی و نیز سرزمین مصر در سده‌های نخستین اسلامی را تبیین نماید. گفتنی است، بنیان‌نهادن شهر قاهره و توسعه آن در طول دو قرن بعد از آن، موفق‌ترین تجربه شهرسازی فاطمیان در عرصه شهرسازی است و

این، بدین معنا می‌تواند باشد که فاطمیان کامل‌ترین شکل مشارکت خود را در رشد و شکوفایی تمدن اسلامی به‌واسطه بنیان‌افکندن و توسعه این شهر در مصر تحقق بخشیدند؛ نکته‌ای که به‌وضوح اهمیت این مطالعه را نشان می‌دهد.

پیشینه پژوهش

در برخی مطالعات مربوط به تاریخ شهر دوره اسلامی و نیز پژوهش‌های عصر فاطمیان، به‌برخی ابعاد شهرسازی روزگار فاطمی اشاره شده‌است. نویسندگان مقاله «سیر تحول شهرسازی در مصر از ورود اسلام تا پایان فاطمیان»، با طبقه‌بندی روند شهرسازی مصر در این مقطع تاریخی در چهار الگوی مختلف فسطاط، العسکر، قطائع و قاهره به‌صورت مختصر و ذیل آثار و بناهای معماری در این دوره به‌مانند مسجد جامع، بازار و مانند آن، به شهرسازی مصر عصر فاطمی نیز پرداخته‌اند (محمدپور و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۱۸، ۱۲۱ به بعد)، البته این مقاله در اصل متکی بر حاصل مطالعات متعدد پیشین است که نویسندگان بدان‌ها تصریح نکرده‌اند (به عنوان نمونه قس. با سید، ۲۰۱۵: ۱-۱۸۲). ج. م. روجر^۱ در مدخل «قاهره»^۲ مندرج در *دائرة المعارف اسلام*^۳، ضمن بررسی کوتاه خود از تاریخ شهر قاهره، تحولات کلی قاهره فاطمی را با محوریت ابنیه مهم شهر بررسی کرده است (Rogers, 1997: iv/428-429). ایمن فواد سید هم در اثر ارزشمند خود، *القاهرة خطتها و تطورها العمرانی* به سبک خط‌نگاری‌ها و البته با در پیش گرفتن شیوه تاریخ‌نگاری شهری جدید (خط‌نگاری مدرن)، متشکل از شیوه تاریخ‌نگاری‌های علمی امروزی و بهره‌گیری از داده‌ها و البته سنت‌های خط‌نگاری‌های متقدم رایج در مصر، ضمن بررسی تحولات شهری قاهره از زمان بنیان‌گذاری تا عصر حاضر، در فصل دوم اثرش تحت عنوان «القاهرة المدیئة الحصن»، رخدادهای همراه با تحولات تاریخی این شهر را در عصر فاطمیان بازخوانی کرده است (سید، ۲۰۱۵: ۶۱-۱۸۲). آرمین دخت امین و همکاران نیز در مقاله «تفاوت‌های زیست‌محیطی و سازمان شهر فسطاط و قاهره» سعی کرده‌اند عوامل مختلفی را که در نتیجه آنها، شهر قاهره بعد از بنای آن از سوی فاطمیان بر شهر فسطاط، پایتخت پیشین مصر تفوق یافت، شناسایی و بررسی کنند (نک. امین، ۱۳۹۶: ۱۳-۳۰). همچنین، در بسیاری از آثار مربوط به تاریخ فاطمیان و نیز تاریخ معماری و هنرهای اسلامی در مصر یا جهان اسلام نیز به‌صورت خلاصه به‌مباحثی درباره شهر قاهره پرداخته می‌شود که از آن جمله می‌توان به آثاری، چون *Islamic Architecture in Cairo* نگاشته دُریس برن-ابوسیف (Behrens-

1. J. M. Rogers.

2. Al-Kāhira.

3. EI2.

(Abouseif, 1989: 9, 58-77) و تاریخ‌هنر در سرزمینهای اسلامی، تألیف انور الرفاعی (الرفاعی، ۱۳۷۷: ۳۳-۳۴) اشاره کرد. با وجود این، تفاوت اصلی مقاله حاضر با مطالعات پیشین در این است که می‌کوشد تحولات شهری قاهره فاطمی را در بستر تحولات تاریخی معطوف به تبدیل آن به مرکزی مهم برای تمدن اسلام طی قرون ۴ تا ۶ هجری بررسی و تبیین نماید.

دوره‌بندی تاریخی قاهره فاطمی

از منظر برخی پژوهشگران تاریخ شهر دوره اسلامی، قاهره ذیل شهرهایی طبقه‌بندی می‌شود که خاندان‌های سلطنتی آن را بنیان نهاده‌اند و با توسعه مستمر در زمره شهرهای بزرگ جهان اسلام قرار گرفته است (گرایر، ۱۳۹۰: ۱۸). افزون بر این، در دوره‌بندی کلان از مراحل مختلف تطور شهرسازی دوران اسلامی، قاهره از جمله شهرهای اسلامی به‌شمار می‌آید که بین قرون سوم تا هفتم هجری ساخته شده‌اند. از نظر موقعیت مکانی و جغرافیایی نیز این شهر، در شمار شهرهای ساخته‌شده در کنار رودخانه‌ای بزرگ (نیل) دسته‌بندی می‌شود (گرایر، ۱۳۹۰: ۱۸). در بررسی تاریخ هر شهر، از جمله از منظر تمدنی نیز به‌ناگزیر باید نوعی از دوره‌بندی مد نظر قرار گیرد. اغلب در بررسی از تاریخ شهرها، ادوار مختلف تاریخ سیاسی یا به عبارت دیگر، دوران تسلط حکومت‌ها و دولت‌ها بر آنها، اساس دوره‌بندی قرار می‌گیرد. این مهم درباره تاریخ شهر قاهره نیز صدق می‌کند تا جایی که به‌طور عمده به واسطه حاکمیت دولت‌های مختلف بر این شهر از زمان تأسیس تاکنون از آن با نام‌های «قاهره فاطمی»، «قاهره ایوبی»، «قاهره مملوکی»، «قاهره عثمانی» و «قاهره مدرن» یاد می‌شود. با این اوصاف، باید توجه داشت که در این نام‌گذاری، افزون بر خاندان‌های حکومتگر و قدرت‌های حاکمه بر آن، تحولات تاریخی بنیادین صورت گرفته در اهمیت و کالبد شهر نیز مد نظر است؛ به گونه‌ای که باوجود استمرار تاریخی بخش قابل توجهی از ماهیت تاریخی این شهر، قاهره در ادوار مختلف هویت مستقلی داشت تا جایی که می‌توان گفت قاهره فاطمی با قاهره ایوبی تفاوت زیادی پیدا کرده بود. با این اوصاف و با اتکاء بر تحولات مختلف و مهم دوره تاریخی بیش از دو قرن نخستین این شهر دوره فاطمی، می‌توان نوعی و سطحی از دوره‌بندی را برای این شهر در نظر گرفت. از این‌رو، از منظر تاریخ معماری و شهرسازی، قاهره عصر فاطمی از زمان بنیان‌گذاری آن در ۳۵۸ هجری تا برافتادن فاطمیان در ۵۶۷ هجری را می‌توان به دو دوره و مرحله کلی تقسیم کرد:

الف: دوران تأسیس و شکوفایی نخستین؛ تحولات شهری دوران نخست تاریخ قاهره فاطمی با بنیان‌نهادن شدن شهر قاهره از سوی جوهر صقلی، بلافاصله پس از فتح مصر در ۳۵۸ هجری آغاز می‌شود و با انتقال مرکز دولت فاطمی به این شهر در ۳۶۲ هجری به‌مقام پایتختی ارتقاء می‌یابد و به دنبال آن، توسعه آن تا اواسط قرن پنجم هجری استمرار می‌یابد. از ویژگی‌های مهم این دوره از تاریخ قاهره فاطمی، می‌توان

به شکوفایی چشمگیر معماری با حمایت فرمانروایان فاطمی در بنای ساختمان‌ها، کاخ‌ها و مساجد (جوامع) اشاره کرد. دوران شکوفایی هنری و معماری نخستین قاهره فاطمی، که طی آن این شهر در کنار اهمیت سیاسی‌اش به عنوان پایتخت دولتی قدرتمند، به یکی از مراکز مهم تمدنی جهان اسلام تبدیل شد، تا دهه ۴۵۰ هجری و وقوع بحران اقتصادی ناشی از قحطی و پایین آمدن سطح رود نیل و نیز برخی طغیان‌های مکرر آن، ادامه یافت. از این رو، با در نظر گرفتن کم و کیف تحولات این دوران از تاریخ قاهره، می‌توان از آن با نام «قاهره فاطمی نخستین» یاد کرد.

ب: دوران رشد و توسعه متأخر؛ با سپری شدن دوران رشد و شکوفایی نخستین، در پیوند با تحولات تاریخی منتهی به تحولات شهری، از نیمه دوم قرن پنجم هجری دوران جدیدی در تاریخ قاهره در عصر فاطمی آغاز می‌گردد. به طور کلی، می‌توان آغاز این دوران را با روی کار آمدن بدرالجمالی به عنوان وزیر المستنصر بالله در ۴۶۶ ه و آغاز دوره موسوم به دوره وزیران نظامی را مد نظر قرار داد؛ با این ملاحظه که فارغ از اهمیت سیاسی این تحول، از این مقطع زمانی تحولات کلان شهری در کالبد شهر قاهره، به ویژه معماری آن آغاز گردید. شاخصه اصلی دوره دوم قاهره فاطمی از منظر تمدنی و نیز معماری را می‌توان تلاش برای استحکام بخشی قاهره در برابر تهدیدات خارجی، از جمله سلجوقیان و صلیبی‌ها دانست. همچنین با عنایت به اینکه در این دوره، قدرت اصلی از خلفاء-ائمه فاطمی به وزیران و درباریان منتقل شده بود، دوره موسوم به دوران رشد و توسعه متأخر، نقش اصلی در بنای آثار معماری در قاهره نیز به این گروه منتقل شده بود. بنای جوامع و مساجد کوچک‌تر در مقایسه با مساجد بزرگ و باشکوه عصر پیشین و نیز مقابر و زیارتگاه‌های کوچک را می‌توان از جمله ویژگی‌های مهم این دوره از تاریخ قاهره دانست (بلوم و بلر، ۱۳۹۷: ۴۴۷/۱). با توجه به ویژگی‌های کلی این دوره از تاریخ قاهره در عصر فاطمیان، از این مقطع از تاریخ این شهر می‌توان تحت عنوان «قاهره فاطمی متأخر» نام برد.

قاهره فاطمی نخستین؛ بنیان‌گذاری شهر و تأسیس یک مرکز تمدنی

با توجه به جایگاه سرزمین مصر در تحولات تاریخی و معادلات قدرت در جهان اسلام، فاطمیان از همان اوایل تشکیل دولت در افریقه در صدد تسلط بر این سرزمین بودند که در شرق قلمرو آنها واقع شده بود و آن را پلی برای تسلط بر شرق جهان اسلام می‌دانستند؛ امری که در مطالعات جدید از آن با تعبیر «سیاست شرقی فاطمیان» یاد می‌شود (نک. ایمن فؤاد سید، ۲۰۰۷: ۷۰). با وجود کوشش‌های پیشین فاطمیان برای تسلط بر مصر، دو لشکرکشی در دوره عبیدالله المهدی (در سال‌های ۳۰۱-۳۰۲ ه و ۳۰۷-۳۰۹ ه)، و یک لشکرکشی در عهد القائم بالله (۳۲۳ ق) با ناکامی و شکست روبه‌رو شده بود، در نهایت، روز سه‌شنبه هفدهم شعبان ۳۵۸ ه این سرزمین به دست سپاه فاطمی اعزامی از سوی المعزالدین و تحت

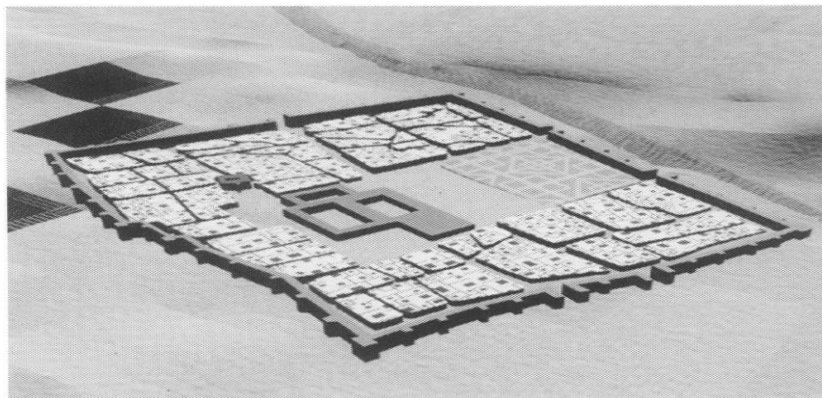
فرماندهی جَوْهَر الصَّقْلِ گشوده شد (ابن حماد، ۱۲۴۶: ۸۴). این دستاورد، نقطه عطف مهمی در تاریخ فاطمیان، تاریخ سرزمین مصر و به طور کلی منطقه شمال آفریقا بود. در این میان بخش مهمی از این تحول، افزون بر وجهه سیاسی آن، بُعد تمدنی داشت. در واقع، به دنبال این تحول به ظاهر سیاسی و نظامی، دگرگونی بنیادینی نیز از نظر فرهنگی و اجتماعی در این بخش از جهان اسلام در حال تحقق بود. بنای شهری جدید در مصر به دستور فرمانروای فاطمی که به نام او به القاهرة المعزیه شهرت یافت (برای گزارش‌های مختلف درباره نام‌گذاری قاهره نک. مقریزی، ۱۹۹۵: ۲۵۴/۲؛ مهری، ۱۳۳۲: ۹۱؛ نیز قس. سیوطی، ۱۹۶۷: ۲۷/۱)، نقش تعیین‌کننده‌ای در این تحولات ایفا نمود؛ شهری که به سرعت اهمیت آن از شهری نوپایان فراتر رفت و در ردیف شهرهای درجه نخست سیاسی و تمدنی جهان اسلام در آن عصر یعنی بغداد و قرطبه قرار گرفت.

با وجود اینکه منابع اطلاعاتی درباره سازندگان قاهره در این زمان ارائه نمی‌دهند، اما احتمالاً جوهر معماران و استادان زبردستی را برای بنای شهر از آفریقه با خودش آورده بود (AlSayyad, 2013: 58) که با مشارکت افرادی از مردم مصر به بنای این شهر همت گماشتند. درباره نام‌گذاری شهر به قاهره یا القاهرة المعزیه عنوان می‌شود که بنابر اشاره المعز به جوهر، هنگام رهسپار شدن سپاه فاتح مصر، شهر بدین نام نامیده شد. افزون بر این بنابر گزارش‌هایی، نام اولیه شهر به واسطه بانی اصلی آن یعنی جوهر، به دلیل شباهت آن به پایتخت فاطمیان در آفریقه، منصوبه نامیده شده بود، اما زمانی که المعز وارد مصر و شهر نوپای فاطمیان در این سرزمین شد، نام شهر را به القاهرة برگرداند (مقریزی، ۱۴۱۶: ۱۱۱/۱؛ مقریزی، ۱۹۹۵: ۲۵۴/۲). بر این اساس در چهار سال نخست، نام شهر منصوبه بود. آنچه در این گزارش‌ها جلب توجه می‌کند، این است که این خلیفه و امام فاطمی تأکید داشتند باید شهری بنا گردد که بر شهرهای دیگر برتری و غلبه داشته باشد و شهرت آن جهانگیر شود (ابن عبدالظاهر، ۱۴۱۶: ۱۳؛ مقریزی، ۱۹۹۵: ۲۲۶/۲، ۲۵۴؛ و نیز نک. ابن تغری بردی، ۱۴۱۳: ۴۱/۴-۴۲؛ سیوطی، ۱۹۶۷: ۲۷/۱؛ لیون‌الآفریقی، ۱۹۸۳: ۴۳/۱-۴۲). با این اوصاف، همان‌طور که پیشتر عنوان شد و با توجه به اینکه قاهره در ایام بعد از فاطمیان تحولات مختلفی را به خود دید؛ به گونه‌ای که قاهره عصر فاطمی صرفاً بخشی و منطقه‌ای از آن را مشتمل می‌شد، امروزه اغلب از آن، با نام قاهره فاطمی یاد می‌شود.

مکان‌یابی و طرح نخستین و باروهای قاهره فاطمی

یکی از عوامل مهم در روند رشد و توسعه شهرها، که می‌تواند تضمین‌کننده آینده هر شهر نوپایی باشد،

مکان‌یابی شهر متناسب با اوضاع و شرایط جغرافیایی منطقه‌ای است؛ نکته مهمی که در انتخاب محل شهر قاهره توجه خاصی به آن شد. مکانی که برای شهر جدید مصر و فاطمیان انتخاب شد، در شمال شرقی شهر فسطاط و در حومه خلیجی (ترعه‌ای) بود که از این زمان به بعد با نام خلیج قاهره (خلیج القاهرة) شناخته می‌شود (نک. ابن زولاق، ۱۴۲۰: ۵۵-۵۶؛ سید، ۲۰۱۵: ۶۷). به طور کلی، تصور بر این است که قاهره فاطمی در اصل با هدف سکونت فرمانروای فاطمی و حرم، سپاهیان و خواص وی در مصر ساخته شد (مقریزی، ۱۹۹۵: ۱۷۱/۲ و ۲۲۰). اما، با توجه به موقعیت شهر و نزدیکی آن به شهر کهنسال مسلمانان در مصر یعنی فسطاط (موسوم به مصر عتیق)، که در کنار اسکندریه مهم‌ترین شهرهای مصر به شمار می‌رفتند (نک. ریمون، ۱۹۹۴: ۳۸)، به نظر می‌رسد انتخاب مکان مذکور برای بنای شهر قاهره، انتخابی هوشمندانه بود تا در کنار بنای شهری نو بنیاد به نام فاطمیان، میراث فرهنگی-تمدنی موروث از ادوار پیشین مصر در قالب شهر فسطاط نیز حفظ گردد و پایتخت فاطمیان و فسطاط به مثابه مکمل همدیگر عمل کنند. نزدیکی محل قاهره به نیل و در اصل خلیج امیرالمؤمنین (خلیج قاهره و بعدها خلیج الحاکم و خلیج لؤلؤ؛ نک. ناصر خسرو، ۱۳۹۷: ۵۷؛ مقریزی، ۱۹۹۵: ۲۰۸/۲، ۲۱۴)، دسترسی ساکنان شهر به آب مورد نیاز را تسهیل می‌کرد و در عین حال که به واسطه قرار گرفتن در نزدیکی رود نیل، مسیر ارتباطی آبی حیاتی را برای قاهره فراهم می‌آورد، به دلیل ارتفاع مناسب مکان شهر از سطح رود نیل، خطر سیلاب از ناحیه فیضان این رودخانه خطر چندان را متوجه آن نمی‌کرد. تحولات اقتصادی-اجتماعی و نیز فرهنگی-تمدنی و شکوفایی مستمر و تدریجی شهر قاهره، که طی آن از مرکزی سیاسی و اداری نخستین، به تدریج و از حدود اوایل قرن پنجم هجری نه تنها به مرکز تجاری و اقتصادی (سید، ۲۰۱۵: ۶۷)، بلکه مهم‌ترین مرکز فرهنگی-تمدنی سرزمین‌های شمال آفریقا تبدیل شد، اهمیت این انتخاب مناسب را به اثبات رساند.



تصویر ۱: بازسازی کامپیوتری قاهره فاطمی نخستین و قسمت‌های مختلف آن (AlSayyad, 1999: 96)

در کنار موقعیت جغرافیایی، طرح استفاده شده برای بنای شهر قاهره فاطمی نیز جالب توجه است. اغلب گفته می‌شود که با توجه به تجارب قبلی فاطمیان در شهرسازی در مغرب، منصوریه به عنوان الگو و اساس بنیان شهر جدید مصر در نظر گرفته شد (سید، ۲۰۱۵: ۶۷). با این اوصاف، برخلاف منصوریه که طرحی مدور و مشابه طرح اولیه شهر بغداد داشت (نک. فضل، ۱۴۰۲: ۱۱۳-۱۱۵)، طرح اولیه شهر قاهره فاطمی با در نظر گرفتن شرایط مکانی و جغرافیایی، به صورت چهارگوش متساوی الاضلاع در نظر گرفته شده (نک. تصویر شماره ۱) و در چهار جهت اصلی گسترده شده بود (سید، ۲۰۱۵: ۶۹). در دو سال نخست و تا ۳۸۰ هجری، باروهای شهر کامل گردید و قسمت‌های زیادی از قصر بزرگ (قصر الکبیر) نیز ساخته و جامع شهر (جامع الازهر) پی‌افکنده شد (ابن خلکان، ج ۱، ۳۸۰؛ ابن تغری بردی، ۱۴۱۳: ۳۲/۴؛ سخاوی، ۲۳۹؛ سیوطی، ۱۹۶۷: ۲۲۱/۲؛ مبارک‌پاشا، ۱۳۰۶: ۷۱/۳. نیز نک. زکی، ۱۳۹۲: ۲۶-۲۷). با توجه به نیاز مشارکت عمومی در بنای قسمت‌های مختلف شهر، به نظر می‌رسد که ساختن قسمت‌های دیگر قاهره فاطمی نیز به صاحب‌منصبان عالی‌رتبه فاطمی حاضر در مصر سپرده شده بود (نک. سید، ۲۰۱۵: ۶۹). گفتنی است که طول هریک از اضلاع سور قاهره، حدود هزار و هشتاد متر بود. خیابان اصلی قاهره فاطمی موسوم به الشارع الأعظم (نک. ابن عبدالظاهر، ۱۴۱۶: ۱۵؛ ابن دُقمق، [بی‌تا]: ۳۶/۲؛ مقریزی، ۱۹۹۵: ۲۰۸/۲۱۳-۲۱۲، ۳۶۳/۳، ۷۱۷-۷۱۸/۶، ۹۰۰؛ ابن تغری بردی، ۱۴۱۳: ۳۴/۴؛ مهری، ۱۳۳۲: ۹۱. نیز نک. زکی، ۱۳۹۲: ۲۶-۲۷)، که خیابان اصلی شهر قاهره امروزی و نیز یکی از قدیمی‌ترین در جهان دانسته می‌شود (Russel, 1964: 116؛ نک. تصویر شماره ۳ و ۴)، از دروازه باب زویله در جنوب شهر تا دروازه باب الفتوح در شمال آن کشیده شده بود و شهر قاهره را به دو قسمت اصلی شرقی و غربی تقسیم می‌کرد. سایر خیابان‌های فرعی قاهره به صورت شبکه‌ای به این خیابان اصلی، وسیع و پهن وصل می‌شدند (سید، ۲۰۱۵: ۷۰؛ ۷۰: ۱۱۶؛ ۱۹۸۷: ۱۱۶). نکته مهم دیگر درباره خیابان‌های قاهره فاطمی، این است که در کنار قسمت‌های مختلف شهر، قصرهای فاطمیان از طریق آنها به دروازه‌های مختلف شهر وصل می‌شدند (AlSayyad, 2013: 65).

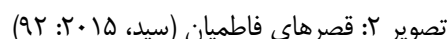
باروهای قاهره فاطمی از سمت جنوب به شهر فسطاط، از شمال به بیابان (ریدانیه)، از شرق به جبل المقطم و از طرف غرب به خلیج و رود نیل محدود می‌شد (مقریزی، ۱۹۹۵: ۲۰۹/۲-۲۱۰؛ سید، ۲۰۱۵: ۷۰؛ Creswell, 1933: 269). بین سال‌های ۴۵۰-۴۵۸ هجری باروهای قاهره فاطمی به دست امیر الجیوش بدرالجمالی تعمیر و بازسازی شد؛ سور جنوبی شهر نیز در اواخر عصر فاطمیان به دست صلاح‌الدین ایوبی در مقام وزیر العاضد لدین‌الله آخرین خلیفه فاطمی، ترمیم و تجدید بنا شدند (ابن میسر، ۱۹۱۹: ۲۹/۲).

ابن عبدالظاهر، ۱۴۱۶: ۱۷-۱۸؛ مقریزی، ۱۹۹۵: ۲۵۴/۲، ۲۶۰، ۲۶۷-۲۷۱؛ ابن‌أیاس، ۱۳۹۵: ۱۸۶/۱؛ جومار، ۱۴۰۸: ۲۵؛ نیز نک. (Hakim, 2008: 60). هرچند، امروزه از باروهای نخستین شهر قاهره فاطمی اثری باقی نمانده است (Creswell, 1933: 278). اما بنابر گزارش‌های موجود این باروها، خشتی و در عین حال مستحکم بودند (مقریزی، ۱۹۹۵: ۲۵۴/۲). نکته در خور توجه در این باره اینکه، در بین شهرهای چهارگانه فسطاط، عسکر و قطائع و قاهره، که از سوی مسلمانان تا این زمان در مصر بنیان نهاده شده بودند، قاهره فاطمی تنها شهری دانسته می‌شود که برای آن سور و بارو ساخته شده بود (جومار، ۱۴۰۸: ۲۵). از این رو، با هدف تأمین ورود و خروج به شهر و ارتباط آن به مناطق مختلف خارج از شهر، نه دروازه مختلف برای آن ساخته شده بود؛ دو دروازه قوسی شکل به هم پیوسته موسوم به باب القوس یا باب زویله در میانه سور جنوبی (سبب سکونت قبیله‌ای بربر با نام زویله/زویله)، دو دروازه دور از هم به نام‌های باب الفتوح و باب النصر در سور شمالی ساخته شد. همچنین، در ابتدا برای سور غربی دو دروازه باب الفرج و باب سعادة (منتسب به غلام معز فاطمی با نام سعاد بن حیان که از آنجا برای همراهی جوهر در رویارویی با قرامطه وارد قاهره شده بود)، در نظر گرفته شد بود (مقریزی، ۱۹۹۵: ۲۶۷/۲)، اما در سال ۳۶۰ ه و در جریان یورش قرامطه به مصر، دروازه سومی در انتهای شمالی سور غربی و در مقابل خلیج و روبه روی پل ساخته شده روی آن به سمت مَقَس، ساخته شد که به باب القنطره مشهور شد (ابن عبدالظاهر، ۱۴۱۶: ۱۶-۱۸؛ قلکشندی، ۱۳۳۲: ۳/۳۴۸؛ مقریزی، ۲۶۷/۲ و ۲۷۹؛ سید، ۲۰۱۵: ۷۳). افزون بر این سه دروازه، دروازه‌ای موسوم به باب الخوخة در سور غربی وجود داشته است که البته در زمان بنای آن، اختلاف نظر وجود دارد و مشخص نیست که در زمان جوهر و بنابر طرح و بنای اولیه آن ساخته شده است یا اینکه بعدها و احتمالاً در نزدیکی پل موسکی (قنطرة الموسکی) ساخته شده بود (قلکشندی، ۱۳۳۲: ۳/۳۵۴؛ مقریزی، ۱۹۹۵: ۲۰۹/۲، ۲۱۴). درباره دروازه‌های سور شرقی نیز از دو دروازه باب القراطین و نیز باب البوقیة در منتهی‌الیه شمالی آن خبر داده شده است (نک. مقریزی، ۱۹۹۵: ۲۱۳/۲، ۲۶۷، ۲۸۱). همچنین در بین دروازه‌های شهر قاهره، باب زویله به دلیل سبک و ظاهر خاص آن مورد توجه بود (نک. Kay, 1882: 237؛ برای دورازه‌های قاهره نک. Creswell, 1933: 270-277).

کالبد شهری قاهره فاطمی نخستین

قاهره فاطمی نخستین به مثابه شهری کامل، کاخ‌ها، باغ‌ها، لشکرگاه‌ها، بناهای تجاری و خانه‌های

پرشماری داشت که بسیاری از آنها در ادوار بعدی از بین رفته‌اند و صرفاً شمار معدودی، به‌مانند جامع‌الازهر) برجای مانده است (بلوم و بلر، ۱۳۹۷: ۴۴۷/۱). بر این اساس، بخش زیادی از اطلاعات مربوط به بناهای قاهره فاطمی، به‌طور عمده از طریق توصیف‌های منابع مکتوب به‌دست می‌آید. در کنار جامع‌الازهر، که در دوره فاطمی مرکز حیات اجتماعی-دینی قاهره محسوب می‌شد، قصر یا قصرهای فاطمیان به‌عنوان نقطه ثقل سیاسی شهر، از بناهای مهم آن محسوب می‌شدند. «قصر شرقی» یا «قصر شرقی بزرگ» (قصر الشرقي الكبير)، محل زندگی و سکونت خلیفه-امام فاطمی در قاهره محسوب می‌شد که در میانه شهر و متمایل به قسمت شرقی شهر قرار گرفته بود و به‌همین سبب نیز به‌قصر شرقی شهرت داشت. به‌دلیل اهمیت خاص این قصر و برای گشاده‌بودن محیط پیرامونی آن، ساختمان و بنایی در اطراف ساخته نمی‌شد (ناصر خسرو، ۱۳۹۷: ۷۷؛ مقریزی، ۱۹۹۵: ۲۸۴/۲-۲۸۵). در سمت جنوبی قصر شرقی، جامع قاهره یا همان جامع‌الازهر قرار داشت و اصطبل‌ها و انبارهای غلات (أهراء) بین قصر شرقی و سور شرقی شهر قرار داشتند. در قسمت غربی شهر دوره العزیز بالله، قصر دیگری ظاهراً برای دختر وی ست‌الملک ساخته شد که به «قصر غربی» یا «قصر غربی کوچک» (قصر الغربي الصغير) مشهور گردید و به‌واسطه نزدیکی آن به خلیج مصر به آن «قصر البحر» نیز گفته می‌شد (مقریزی، ۱۹۹۵: ۴۹۵/۲؛ نک. تصویر شماره ۲). افزون بر ساختمان‌ها، حمام‌ها، محله‌ها و بستان‌های مختلفی که در قاهره فاطمی وجود داشت و به‌طور عمده در نزدیکی قصر شرقی «دارالوزراء الكبرى» واقع شده بودند (مقریزی، ۱۹۹۵، ۴۳۸/۲؛ سید، ۲۰۱۵: ۸۶)، در ادوار مختلف کوشک‌ها و تفرج‌گاه‌ها (المناظر)، باغ‌ها و بستان‌های مختلفی از سوی خلفا، وزراء و صاحب‌منصبان در قاهره ساخته شدند که سهم زیادی در آبادانی و زیبایی شهر داشتند تا جایی که در برخی منابع توصیف آنها به تفصیل بیان شده (برای کوشک‌ها و گردشگاه‌های قاهره دوره فاطمیان نک. مقریزی، همان، ۵۲۲/۲-۵۳۸) و ناصر خسرو جهانگرد حکیم ایرانی، که به‌وصف قاهره در سفرنامه خود پرداخته، از زیبایی و نیکویی آنها خبر داده است (ناصر خسرو، ۱۳۹۷: ۷۹). در طول دوره فاطمیان، قصر شرقی افزون بر اینکه دارالخلافة و محل سکونت خلیفه-امامان فاطمی و حرم آنها بود، محل برگزاری جلسات رسمی، دیدار با سفرا و فرستادگان دولت‌های دیگر و نیز مقر استقرار دیوان‌ها، خزائن دولت، بیت‌المال و نیز خزائن اسلحه (انبار اسلحه) نیز بود (سید، ۲۰۱۵: ۹۵).



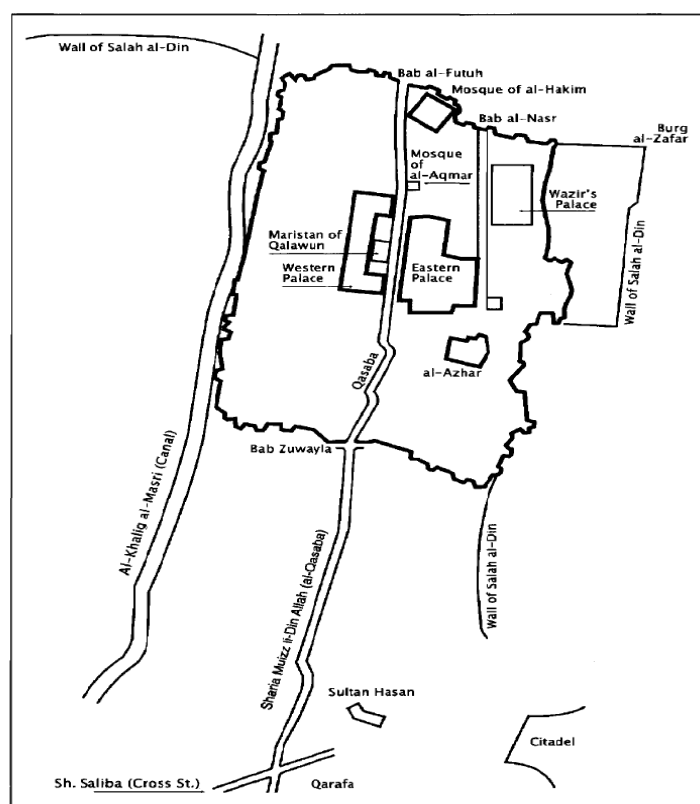
بعد از شکل گیری و تکمیل اولیه شهر قاهره دوره جوهر (۳۵۸-۳۶۲هـ) و المعز (۳۶۲-۳۶۸هـ)، مهم ترین

بنایی که در قاهره ساخته شد و از نظر اهمیت بعد از قصر فاطمیان و جامع الأزهر قرار داشت، «دارُ الوزارة» بود که برای یعقوب بن کلس ساخته شده بود که بدان «دارالوزارة الكبرى» گفته می‌شد. دوره العزیز بالله، در جنوب غربی قاهره و در جوار باب سعادة اقامتگاهی برای وزیر ساخته شد و بنابر نیاز و ضرورت نهاد وزارت دیوان‌ها بدانجا منتقل شد و امکانات دیگر مورد نیاز در آنجا تأسیس گردید (ابن عبدالظاهر، ۱۴۱۶: ۵۰-۵۱؛ مقریزی، ۱۹۹۵: ۲۲۰/۱، ۳۲۱/۲، ۴۳۸-۴۳۹؛ سید، ۲۰۱۵: ۸۳-۸۴). یکی دیگر از بناهای مهم دیگر در قاهره فاطمی، بنای جامعی در بیرون باب الفتوح بود که در سال ۳۸۰هـ و به دستور العزیز آغاز شد و با ادامه بنای آن در دوره خلیفه الحاکم بامرالله، در سال ۴۰۳هـ به اتمام رسید و برای برپایی نماز جمعه گشوده شد (مقریزی، ۱۹۹۵: ۱۰۸/۴-۱۱۱). همچنین در دوره الحاکم و از سال ۳۹۳هـ بنای دو جامع دیگر در منطقه ظاهر قاهره آغاز شد که یکی در مقس در ساحل رود نیل که به جامع المقس مشهور شد و جامع دیگر در محله راشده در جنوب فسطاط و در محل کنیسه‌ای قدیمی معروف به ابی تکموس که این جامع نیز به جامع راشده موسوم شده بود (مقریزی، ۱۹۹۵: ۱۲۶/۴-۱۳۲).

قاهره فاطمی متأخر: احیاء و شکوه واپسین

دوره طولانی زمامداری المستنصر بالله (حک. ۴۲۷-۴۸۷هـ)، در قلمرو فاطمیان مانند تحولات متعدد سیاسی، تحولات تمدنی قابل اعتنایی نیز به وقوع پیوست. در شرایطی که برای مقطعی و در دو دهه نخست حکمرانی این امام-خلیفه فاطمی، قلمرو فاطمیان به گسترده‌ترین حد خود رسید و قاهره در مرکز این قلمرو گسترده از شمال آفریقا و سیسیل تا دریای سرخ و حجاز و یمن را در بر داشت، اما جایگاه و اهمیت قاهره فاطمی، که پیشتر سعی می‌شد به مهم‌ترین شهر جهان آن روزگاران مبدل شود و آمادگی‌های لازم برای حکومت بر سراسر جهان اسلام از آنجا صورت گیرد، پس از حدود یک قرن از بنای آن، تنزل یافت (سید، ۲۰۰۷: ۱۸۷). از منظر تمدنی، بی‌شک قاهره قلب تپنده فرهنگ و تمدن عصر فاطمی بود و خلل و ضعف و فطور در آن، بی‌تردید کلیت تمدن این عصر را تحت الشعاع قرار می‌داد. بنابر گزارش ناصر خسرو در زمان دیدار وی از قاهره در همین دوره المستنصر، این شهر فاقد سور و بارویی مشخص بود (ناصر خسرو، ۱۳۹۷: ۷۹) و این بدان معنا می‌تواند باشد که به احتمال زیاد، باروهای ساخته شده از خشت خام شهر نیازمند بازسازی و تعمیر بودند (نک. زکی، ۱۳۹۲: ۳۹). از این رو، بدرالجمالی در راستای اصلاحات مختلف اداری و سیاسی که در پیش گرفت، برای تضمین امنیت قاهره فاطمی درصدد بازسازی سورهای آن برآمد. بدین ترتیب، بین سال‌های ۴۸۰ تا ۴۸۵هـ سورهای جدید برای قاهره فاطمی ساخته شدند؛ طی این عملیات عمرانی، علاوه بر گسترش محدوده قاهره فاطمی، تمهیداتی برای ترمیم و ارتقاء استحکامات شهر در نظر گرفته شد که بخشی از آن تا به امروز باقی مانده‌اند. در این دوره،

بخشی از باروی خشتی شهر تخریب شد و به جای آن بارویی با استفاده از مصالح سنگی ساخته شد. احتمال داده می شود که سنگ های به کار رفته در این بارو، از بقایای بناهایی در شهر ممفیس، در سوی دیگر رود نیل به قاهره آورده شده باشند. همچنین به دستور بدرالجمالی، سه دروازه از دروازه های شهر نیز بازسازی شدند. با توجه به اینکه معماران و استادکاران این ساخت و سازها به خواست بدرالجمالی از شهر ادسا (رها یا همان اورفای امروزی در آناتولی) آورده شده بودند، به همین سبب نیز این بناهای سنگی ساخته در قاهره مانند ساختمان ها و دروازه ها و باروها به ابنیه سنگی ادسا شباهت هایی پیدا کرده بود (بلوم و بلر، ۱۳۹۷: ۱/۴۴۷).



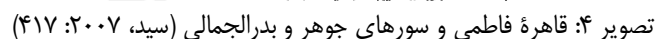
تصویر ۳: قاهره فاطمی، تقسیمات شهری و باروهای آن (Williams, 2002: 6)

علاوه بر قاهره محصور داخل باروها و اسوار، بخش دیگری از شهر قاهره فاطمی، که اهمیت قابل توجهی داشت، توسعه شهر در بیرون از سورهای خشتی و نیز سنگی (از دوره بدرالجمالی به بعد) آن است

که به قاهره بیرونی یا «ظاهر القاهرة» مشهور شده بود (مقریزی، ۱۹۹۵: ۲۰۹/۲، ۲۲۰). مصلی قاهره، مشهور به «مصلی العیدین» و نیز «مصلی القاهرة» دوره آغازین، بیرون شهر و در جوار باروی شمالی نزدیک باب النصر بنای شده بود و دوره العزیز تجدید بنا شد (مُسَبَّحی، ۱۹۸۰: ۵۸، ۶۰؛ مقریزی، ۱۹۹۵: ۲۱۶/۲، ۲۴۴؛ سید، ۲۰۱۵: ۱۱۸-۱۱۹). همچنین، قبرستان قاهره (مقابر أهل القاهرة) در بیرون سور جنوبی و در قسمت راست دروازه باب زویله به سمت دامنه کوه المَقْطَم قرار گرفته بود (مقریزی، ۱۹۹۵: ۲۱۱/۲-۲۱۰، ۲۲۲-۲۲۰؛ سید، ۲۰۱۵: ۱۱۹).

بهم پیوستگی قاهره فاطمی و فسطاط

با آغاز دوره موسوم به دوره تسلط وزیران نظامی، که طی آن قدرت و اداره امور عملاً از خلیفه امام به وزیر منتقل شد و تقریباً تا پایان دوره فاطمیان هم به این شکل استمرار یافت، در وضعیت شهر قاهره نیز تحولات قابل توجهی به وقوع پیوست. با توجه به دوره قحطی بزرگ دوره المستنصر بالله (الشدة العظمی، الشدة المستنصریة یا «الغلاء الكبير»)، که حدود هفت سال از ۴۵۷ تا ۴۶۴ به طول انجامید، تعداد قابل توجهی از مردم فسطاط و قاهره فاطمی جان خود را از دست داده بودند (ابن میسر، ۱۹۱۶: ۱۶/۲-۲۱؛ مقریزی، ۱۹۹۵: ۲/۲۷۶؛ البروای، ۱۹۴۸: ۸۸-۹۹)، برای جبران ویرانی‌ها، از سوی امیرالجیوش بدرالجمالی اجازه داده شد تا مردم به شکلی فعالانه در بازسازی و برطرف ساختن خرابی‌ها مشارکت کنند (مقریزی، ۱۹۹۵: ۱۴۲/۲، ۲۲۲). بدین ترتیب، به واسطه توسعه و گسترش قاهره فاطمی به سمت جنوب (قبلی) و از طرف باب زویله به سمت فسطاط گسترش یافت (مقریزی، ۱۴۲/۲؛ زکی، ۱۳۹۲: ۳۰) و به شهر مصر یا همان فسطاط وصل شد. بدین ترتیب، دو شهر قدیم و جدید مصر عملاً به هم پیوستند و در هم تنیده شدند و به دنبال آن، تعبیر «مصر و قاهره/مصر و القاهرة» برای اشاره به این پیوستگی و یکی شدن دو شهر پدیدار شد (مقریزی، ۱۹۹۵: ۲۰۹/۲-۲۱۰).



پیوستگی دو شهر قاهرهٔ فاطمی و فسطاط، که مهم‌ترین وجه متمیزهٔ قاهرهٔ فاطمی متأخر نیز است، می‌توان به‌صورت نمادین به‌مثابهٔ به‌هم پیوستن و درهم تنیده‌شدن تمدنی پیش‌فاطمی و فاطمی مصر در نظر گرفت. در واقع، یکی از ویژگی‌های عصر فاطمیان همین درهم‌تنیدگی تمدنی-فرهنگی یا به‌عبارت دیگر، ممزوج‌شدن یا احیاناً یگانگی فرهنگی مسلمانان، فارغ از مذهب و باورهای گروهی آنها بود. نکتهٔ مهم و در خور توجه دیگر در این باره اینکه، ادارهٔ دو شهر بزرگ در کنار هم (قاهرهٔ فاطمی و فسطاط) که باوجود اینکه یکی مرکز اسماعیلیه مذهبیان و شهر دیگر پایگاه اهل سنت در مصر محسوب می‌شدند، پدیدهٔ جالبی در تاریخ تمدن اسلامی است که به‌گونه‌ای دو شهر مکمل هم بودند، هرچند که از اواخر قرن پنجم هجری به‌تدریج فسطاط جایگاه برتر اقتصادی خود را به‌قاهره واگذار کرد. بدین ترتیب، می‌توان گفت که از جملهٔ مسائل مهم تاریخی دربارهٔ پایتخت فاطمیان در مصر، چگونگی بهره‌گیری از ظرفیت‌های انسانی، اجتماعی و اقتصادی فسطاط به‌عنوان شهر کهن‌تر در کنار شهر جدید، یعنی قاهره و به‌عنوان مکمل آن است. بعد از بنای قاهرهٔ فاطمی، فسطاط توانست همچنان جایگاه خود را به‌عنوان

مرکز مهمی برای فعالیت‌های تجاری، تولیدی و حمل و نقل در سرزمین مصر حفظ کند (Abu-lughod, 19-20: 1971). در این دوره، مجموعه‌ای از فعالیت‌های عمرانی برای بازسازی، نوسازی و توسعه شهر قاهره فاطمی صورت گرفت تا جایی که به دلیل سبک و شیوه جدید و متفاوت در بنای ابنیه و آثار و شیوه‌های متفاوت معماری، این دوره از تاریخ شهر را نسبت به دوره پیشین آن متمایز ساخت.



تصویر ۵: باب النصر، قاهره فاطمی^۱

در نتیجه بنای سوره‌های جدید قاهره فاطمی مشهور به سور بدرالجمالی، که از سنگ ساخته شده بودند، علاوه بر اینکه وسعت شهر قاهره افزایش یافته بود (تصویر شماره ۴)، برج و باروهای آن مستحکم گردید و دروازه‌های جدیدی نیز برای آن بنا شدند که عبارت بودند از: باب النصر (یا باب العز/تصویر شماره ۵) و باب الفتوح (باب الأقبال/تصویر شماره ۶) در شمال، باب البرقیة (باب التوفیق) و باب القراطین در شرق، باب زویله در جنوب و باب سعادة، باب الخوخة و نیز باب القنطرة در غرب (نک. المقریزی، ۱۹۹۵: ۲/۲۶۰-۲۶۴؛ زکی، ۱۳۹۲: ۴۵-۴۷؛ Behrens-Abouseif, 1989: 68). در بین این دروازه‌ها، سه دروازه باب النصر با دو برج باشکوه و طاق‌نمای زیبا و نیم‌دایره، باب الفتوح با دو برج مستحکم با راهرویی سرپوشیده و باب زویله، که نظیر معماری مشابه باب الفتوح بود، برای شهره قاهره ساخته شد (فروری، ۱۳۷۸: ۲/۱۸۵۳)؛ هرچند که باب الفتوح (تصویر شماره ۶) شهرت بیشتری یافته و یکی از مهم‌ترین و زیباترین آنها محسوب

1. <https://egymonuments.gov.eg/ar/monuments/bab-al-nasr>

می‌شود (رایس، ۱۳۸۱: ۹۸-۹۹). نکته مهم درباره این دروازه‌های جدید این است که برای افزایش امنیت قاهره فاطمی، این دروازه‌ها با تمهیدات و امکانات نظامی-دفاعی خاصی بنا شده بودند. همچنین، در نتیجه پیشروی سور شمالی قاهره فاطمی، جامع‌الحاکم که پیش از این خارج از سورهای قاهره واقع شده بود، داخل سور و محدوده اصلی شهر قرار گرفت (مقریزی، ۱۹۹۵: ۱۰۷/۴).



تصویر ع: باب الفتوح قاهره فاطمی (دروازه به جای مانده از سورها و دروازه‌های بدرالجمالی)^۱

1. https://islamicart.museumwnf.org/exhibitions/ISL/fatimids/zoom.php?img=https://images.museumwnf.org/lo_res/monuments/isl/eg/1/34/1.jpg

با وجود اینکه هدف از این بازسازی و ساختن دروازه‌های سنگی، تحکیم استحکامات قاهره فاطمی در مقابل خطرات ناشی از حملات احتمالی صلیبی‌ها و سلجوقیان بود، اما از منظر تمدنی آنچه اهمیت دارد اینکه، در نتیجه این شرایط، یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین پروژه‌های شهری و هنری تاریخ قاهره به‌انجام رسید. افزون بر آن، از منظر تاریخی دربارهٔ سور و باروهای قاهره فاطمی می‌توان این نکته را مطرح کرد که بنابر گزارش‌های تاریخی و شواهد برجای‌مانده (ابن‌الظاهر، ۱۴۱۶: ۱۵؛ ابن‌دُقاق، [بی‌تا]: ۳۶/۲؛ مقریزی، ۱۹۹۵: ۲۰۸/۲، ۲۱۲-۲۱۳، ۳۶۳/۳، ۷۱۸-۷۱۷/۶، ۹۰۰؛ ابن‌تغری‌بردی، ۱۴۱۳: ۳۴/۴)، باروهای قاهره فاطمی نخستین از خشت‌های گلی تشکیل شده بود و با استفاده از خندق در اطراف آن، تمهیدات دفاعی معمول و مرسوم برای دفاع از شهر در نظر گرفته شده بود. این بدین معنا بود که از منظر نظامی، فاطمیان خود را در سطحی ارزیابی می‌کردند که تا حد امکان با مهاجمان احتمالی به‌قلمرو فاطمی در خارج از محدودهٔ پایتخت، یعنی قاهره مقابله و مواجهه خواهند کرد؛ فاطمیان در این مرحله، به‌طور عمده در موضع تهاجم و حمله بودند تا دفاع و این سورها نیز در دورهٔ بعد از فتح مصر و دورهٔ قدرتمندی فاطمیان ساخته شدند. همچنین در این مقطع، حملهٔ همه‌جانبه‌ای به قلمرو فاطمی صورت نگرفت؛ بنابراین می‌توان گفت که واقعیت‌های تاریخی این دوره نیز کم‌وبیش این فرضیه را اثبات می‌کند. اما در مقطع دوم تاریخ این شهر، یعنی دوران رشد و توسعهٔ متأخر یا قاهره فاطمی متأخر، به‌تناسب شرایط خاص تاریخی این دوره دولت فاطمی و تغییر موضع آنها از موضع حمله به دفاع، استحکامات دفاعی قاهره فاطمی نیز تغییر یافت و باروهای شهر نیز با استفاده از مصالح سنگی بازسازی و نوسازی شد. در واقع در این مقطع، حاکمان فاطمی و رجال دولت و در رأس آنها وزیران نظامی با درک از شرایط و احتمال یورش دشمنان (از جمله نیروهای صلیبی و سلجوقیان) به قلمرو فاطمیان و پیشروی آنها تا پایتخت، به‌ناگزیر به تحکیم استحکامات دفاعی شهر از جمله برافراشتن برج و باروهای سنگی روی آوردند. دروازه‌های شهر قاهره در این دوره به‌مانند دوازده باب الفتوح از یک سو، نمایانگر شکوه معماری نظامی قاهره در این دوره هستند و از سوی دیگر، عملاً نگرانی امنیتی و دفاعی پایتخت فاطمیان را آشکار نشان می‌دهند.

بناهای مهم قاهره فاطمی متأخر

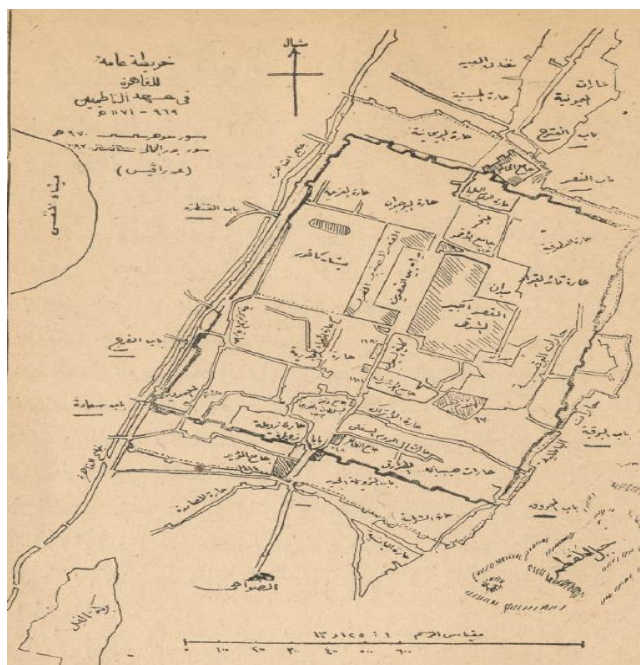
در کنار سوره‌های سنگی ساخته‌شده برای قاهره متأخر و دورهٔ بدرالجمالی، خانه و سکونت‌گاه مخصوص وزیر در حارة برّجوان در شمال قصر صغیر غربی ساخته شد. بدرالجمالی از سکونت در دارالدیباچ (یا همان دارالوزاة القدیمة) روی برتافت و تا پایان عمر و دورهٔ وزارت وی، سکونت‌گاه وی در حارة برّجوان به مرکز اصلی اداره قلمرو فاطمی تبدیل گردید (مقریزی، ۱۹۹۵: ۵۱۹/۲؛ سید، ۲۰۱۵: ۱۲۵-۱۲۸). با توجه به

اینکه دوره وزارت الافضل شاهنشاه بن امیرالجیوش، محل جدیدی برای اقامت وزیر در جوار باب‌العید مشهور به «دارالوزارة الكبرى» ساخته شد، این خانه به فرزند دیگر امیرالجیوش، یعنی ابومحمد جعفر ملقب به المظفر واگذار شد. بعد از مرگ وی و به‌خواست مأمون بطائی این خانه به‌دلیل امکانات مناسب آن، به مهمان‌خانه‌ای برای پذیرایی و سکونت دادن مهمانان دولت فاطمی اختصاص پیدا کرد و به «دارالمظفر» مشهور گردید (مقریزی، ۱۹۹۵: ۵۰۸/۲-۵۰۹). دوره وزارت الافضل شاهنشاه (۴۸۷-۵۱۵هـ)، فعالیت‌های عمرانی در قاهره فاطمی ادامه یافت؛ وی در سال ۵۰۱هـ دارالملک را در دارالقبا، خارج از قاهره بنا کرد و با انتقال دیوان‌ها بدانجا عملاً آن را مرکز اداره امور قرار داد. بعد از کشته‌شدن الافضل، بار دیگر محل استقرار وزیر به‌دارالوزارة الكبرى منتقل شد و دارالملک به‌یکی از تفرجگاه‌های خلفای فاطمی تبدیل شد (مقریزی، ۱۹۹۵: ۵۷۳/۲-۵۷۴). از بناهای دیگری که در دوره الافضل ساخته شد، می‌توان به‌جامع فیله در جنوب فسطاط، جامع جیزه، سه مأذنه برای جامع عمرو در فسطاط، بستان بعل و کوشک التاج، و الخمس و جوه، بوستان کبیر در بولاق، تجدید بنای بوستان امیر تمیم (بوستان الامیر تمیم) در بركة الحبش، مجموعه روضه بحری در جزیره اشاره کرد (ابن میسر، ۱۹۱۹: ۵۹/۲-۶۰؛ سید، ۲۰۱۵: ۱۳۳).

به‌طور کلی در یک قرن آخر دولت فاطمیان، با وجود اینکه قدرت خلفا-ائمه فاطمی کاهش یافت و امور در دست وزیران عمدتاً نظامی قرار گرفت و با وجود بحران‌های مالی-اقتصادی و اجتماعی که جامعه مصر و قاهره فاطمی با آن روبه‌رو شد، اما به‌واسطه کوشش‌هایی که برای بازسازی و رونق‌بخشیدن به‌شهر از سوی بدرالجمالی و اخلاف وی در مقام وزارت صورت گرفت، قاهره فاطمی، به‌ویژه در زمان وزارت مأمون بطائی (۵۱۵-۵۱۹هـ) و خلافت الامر (۴۹۵-۵۲۴هـ) به‌اوج شکوه و عظمت خود دست‌یافت. در این دوره، عمران و آبادسازی مناطق جنوبی شهر بین باب زویله و مشهد نفیسی ادامه یافت و مشاهد واقع در این مناطق با سرپرستی ابوالبرکات بن عثمان بازسازی شد (مقریزی، ۱۹۹۵: ۵۳۶/۲؛ جومار، ۱۴۰۸: ۲۷).

یکی از ویژگی‌های در خور توجه حیات شهری در قاهره فاطمی و حومه آن (ظاهر قاهره)، ایجاد کوشک‌ها و تفرجگاه‌های (مناظر) متعدد در گوشه و کنار شهر، مانند کوشک‌های غزاله در ساحل خلیج قاهره، دکه، مقس، بعل، تاج، خمس و جوه، سکره در غرب خلیج قاهره و دارالذهب و کوشک لولوة (منظره اللؤلؤة)، هردو در حومه باب‌القنطرة بود که خلفای فاطمی بیشتر به این کوشک اخیر برای گردش و تفرج می‌رفتند (مقریزی، ۱۹۹۵: ۵۲۸/۲-۵۳۳). دوره وزارت مأمون بطائی و خلافت الامر، فعالیت‌های عمرانی و بنای آثار جدیدی به‌شکل جدی‌تری مورد توجه واقع شد. این خلیفه فاطمی، بنابر علاقه شخصی و نیز با هدف احیاء جایگاه خلفاء-ائمه فاطمی، بعد از ایام تسط بدرالجمالی و الافضل بر امور، درصدد برآمد

به بنای ابنیه و احیای سنن و مراسم‌های رسمی فاطمیان (رُسُوم الفاطمیین و الإحتفالات الفاطمیة) پردازد که به واسطه بحران اقتصادی ناشی از وقوع شدة العظمی و نیز تسلط الافضل بر امور منقطع شده بودند (سید، ۲۰۰۷: ۲۳۶). به واسطه فعالیت‌های بازسازی قاهره در این دوره و امتداد آن در نواحی واقع بین قاهره و فسطاط، این دو شهر عملاً بهم پیوستند. از بناهای شاخص ساخته شده در این قاهره، می‌توان به جامع الأقمر اشاره کرد که در سال ۵۱۹هـ به اتمام رسید (ابن میسر، ۱۹۱۹: ۶۲/۲؛ مقریزی، ۱۹۹۵: ۱۵۶/۴-۱۵۰). همچنین اولین دارالضرب در شهر قاهره موسوم به «الدار الأمیریة»، در این دوره بنا شد و دینارهای ضرب شده در این دارالضرب، به دلیل عیار بالای آن مورد توجه بود (ابن میسر، ۱۹۱۹: ۶۹/۲؛ المقریزی، ۱۹۹۵: ۴۶۰/۲). با این فعالیت‌ها، شهر قاهره مجدداً شکوه پیشین خود را بازیافت. از آخرین بناهای مهم ساخته شده در قاهره فاطمی متأخر باید به جامع ظافری (و نیز موسوم جامع الأفخر و جامع فکاهین) بنا شده در سال ۵۴۳هـ و عهد الظافر (۵۴۴-۵۴۹هـ) و نیز جامع الصالح طلائع بن رزیک در سال ۵۵۵هـ اشاره کرد (مقریزی، ۱۶۴/۴، ۱۶۶). از جامع الصالح الطلائع به عنوان آخرین جامع ساخته شده در عهد فاطمیان یاد می‌شود که به واسطه تزئینات خاص آن، مانند کتیبه‌هایی به خط کوفی و چوب‌های نقشدار (منقوش)، زیباترین جامع بنا شده دوره فاطمیان در قاهره به شمار می‌رود (زکی، ۱۳۹۲: ۴۱). ۱



تصویر ۷: نقشه عمومی قاهره فاطمی (زکی، ۱۳۹۲: ۴۷)

نکته مهم تاریخی درباره قاهره این است که بعد از فاطمیان، این شهر نیز تا حدود زیادی موقعیت برتر خود را در میان شهرهای مصر و حتی شمال آفریقا حفظ کرد. بخشی زیادی از استمرار جایگاه این شهر طی ادوار و سده‌های مختلف، ناشی از موقعیت مناسب آن در رأس دلتای نیل بود؛ این موقعیت جغرافیایی مطلوب، این امکان را برای قاهره فراهم آورد که باوجود همه تحولات مختلف سیاسی، همچنان جایگاه خود را به‌عنوان مرکز سرزمین مصر حفظ کند (پلانپول، ۱۳۹۰: ۱۱۱). این واقعیت نشان می‌دهد که فاطمیان هم در انتخاب محل این شهر و هم در مرکزیت‌دادن به آن برای اداره امور قلمرو خود و نیز سرزمین مصر هوشمندانه عمل کرده‌اند و یک مرکز سیاسی، اجتماعی و فرهنگی-تمدنی پایداری را برای جهان اسلام بنیاد افکندند. بعد از سقوط فاطمیان، تلاش زیادی جهت از میان برداشتن نشانه‌های تمدنی فاطمیان در قاهره صورت گرفت و طی آن قصرها، آرامگاه‌ها و قبور خاندان و خلفای فاطمی و حتی کتابخانه غنی فاطمیان (نک. مقریزی، ۳۵۵/۲-۳۵۹؛ Rogers, 1997: iv/429) نیز به تاراج گذاشته شدند. حتی، سیاست‌هایی نیز برای کاستن از جایگاه و اعتبار قاهره فاطمی به کار بسته شد و همین موجب شد تا شهر برای مدتی در مسیر انحطاط قرار گیرد (AlSayed, 2011: 75). در برخی از منابع مکتوب، مانند *الرَّوْضَةُ الْبَهِيَّةُ الرَّاهِرَةُ فِي خِطِّ الْمَعْرِیَةِ الْقَاهِرَةِ* ابن عبدالظاهر (۶۹۲هـ) *الْخِطِّ* مقریزی (۸۴۵هـ) توصیف بناهای عصر فاطمیان در قاهره بازتاب داده شده است و از دریچه چشم این مورخان نیز می‌توان شکوه و عظمت شهر قاهره را بازسازی و تصور کرد.

نتیجه‌گیری

بنای شهر قاهره از سوی فاطمیان و تبدیل آن به یکی از شهرهای بزرگ جهان اسلام و یکی از مراکز مهم تمدنی تاریخ اسلام، فاطمیان را در شمار موفق‌ترین دولت‌های مسلمان در پایه‌گذاری شهر در تاریخ تمدن اسلامی قرار می‌دهد. قاهره فاطمی بعد از بنیان‌گذاری، طی توسعه‌ای خیره‌کننده با تلاش‌های فاطمیان، از نظر اهمیت سیاسی و تمدنی در ردیف شهرهای بزرگ جهان اسلام، مانند بغداد، قرطبه و دمشق قرار گرفت. با وجود اینکه این شهر دو دوره مهم تحول شهری خود، یعنی دوران رشد و شکوفایی نخستین و نیز دوران رشد و توسعه متأخر را در دوره فاطمیان از سر گذراند، به واسطه تحکیم و تثبیت جایگاه آن در بین شهرهای مصر حتی پس از برافتادن فاطمیان در ۵۶۷هـ نیز جایگاه خود را کم‌وبیش حفظ نمود تا جایی که امروزه، نیز یکی از مهم‌ترین شهرهای اسلامی از نظر فرهنگی و تمدنی به‌شمار می‌رود. مکان‌یابی مناسب شهر قاهره از سوی بنیان‌گذاران نخستین آن و نزدیکی‌اش به رود نیل (خلیج قاهره) و شهر فسطاط (مصر قدیم) به‌عنوان مرکز اقتصادی و تجاری مهم مصر، طراحی مطلوب از نظر شهری و ایجاد تأسیسات و بناهای مختلف مورد نیاز برای جامعه شهری، به‌ویژه جوامع و مساجد مختلف، زمینه تبدیل قاهره فاطمی به شهری مهم در مصر را فراهم آورد؛ به‌گونه‌ای که بسیار سریع، اهمیت آن از مسائل سیاسی بالاتر رفت و به‌مرکز مهم تجاری و اقتصادی در شمال آفریقا و جهان اسلام مبدل شد. این مهم را به‌وضوح می‌توان در وصف ناظرانی، مانند ناصر خسرو از قاهره فاطمی نخستین ملاحظه کرد. دوران متأخر فاطمی و از نیمه دوم قرن پنجم هجری به‌بعد، با وجود اینکه قدرت سیاسی از فرمانروایان فاطمی به‌وزیران انتقال یافت و با وجود برخی فراز و فرودهای ناشی از قحط‌هایی، مانند الشدة المستنصریة و بلایای طبیعی و نیز انسانی دیگر، اما توسعه قاهره فاطمی استمرار یافت و حتی باروهای آن نیز تجدید بنا گردید. در نتیجه توسعه شهری قاهره در این دوره، قاهره فاطمی و شهر فسطاط بهم پیوستند که به‌واسطه مرکزیت فسطاط برای اهل سنت و قاهره فاطمی برای اسماعیلیه مذهب‌ان تحول مهمی در تاریخ این شهر و به‌طور کلی، تاریخ فاطمیان دوره متأخر به‌شمار می‌رود. با وجود این، در قاهره متاخر فاطمی نیز بناهای تاریخی مهم ساخته شد و شهر در مقایسه با ادوار پیشین همچنان شکوه، جایگاه فرهنگی-تمدنی و سیاسی خود را حفظ نمود.

منابع

- ابن‌أیاس، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۵). *بدائع الزهور فی وقائع الدهور*. تحقیق محمد مصطفی. فیسبدان: دارالنشر فرانز شتاینز.
- ابن‌تغری‌بردی، یوسف (۱۴۱۳). *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*. الجزء الرابع. تحقیق محمد حسین شمس‌الدین. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن‌حماد، ابو عبدالله محمد بن علی (۱۲۴۶). *اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم*. الجزائر: مطبعة جول کربونل.
- ابن‌دقماق، صارم‌الدین ابراهیم [بی‌تا]. *الأنتصار لواسطة عقداً لمصر*. بیروت: منشورات المكتب التجاری للطباعة و التوزيع و النشر.
- ابن‌زولاق، حسن بن ابراهیم (۱۴۲۰). *فضائل مصر و اخبارها و خواصها*. تحقیق محمد علی عمر. القاهرة: مكتبة خانجی.
- ابن‌عبدالظاهر (۱۴۱۶). *الروضه البهیة الزاهرة فی الخطط المعزیة القاهرة*. حققة و قدم له و علّق علیہ ایمن فؤاد سید. القاهرة: مكتبة الدار العربیة للكتاب.
- ابن‌میسر، محمد بن علی (۱۹۱۹). *أخبار مصر*. وقد اعتنى بتصحيحه هنرى مارسى. القاهرة: مطبعة المعهد العلمی الفرنسى.
- امین، آرمین‌دخت و دیگران (۱۳۹۶). *تفاوت‌های زیست‌محیطی و ساختار شهری فسطاط و قاهره*. مطالعات تاریخ اسلام. (۳۴).
- البروای، راشد (۱۹۴۸). *حالة مصر الاقتصادية فی عهد الفاطمیین*. القاهرة: مكتبة النهضة المصریة.
- بلوم، جاناناتان و بلر، شیدا (۱۳۹۷). *معماری روزگار فاطمیان و معاصرانشان در یمن، شام، جزیره، سودا*. مجموعه هنر در تمدن اسلامی: معماری. تهران: سمت.
- پلانپول، ژاویه (۱۳۹۰). *مبانی جغرافیایی تاریخ اسلام*. ترجمه عبدالله ناصری طاهری. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- جومار (۱۴۰۸). *وصف مدینة القاهرة و قلعة الجبل*. ترجمه ایمن فواد سید. القاهرة: الناشر مكتبة‌الخانجی بالقاهرة.
- رایس، دیویدتالبوت (۱۳۸۱). *هنر اسلامی*. ترجمه ماه‌ملک بهار. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- الرفاعی، انور (۱۳۷۷). *تاریخ هنر در سرزمینهای اسلامی*. ترجمه عبدالرحیم قنوات. مشهد: جهاد دانشگاهی.
- ریمون، اندریه (۱۹۹۴). *القاهرة تاریخ حاضرة*. ترجمه لطیف فرج. القاهرة: دارالفکر للدراسات والنشر والتوزيع.
- زکی، عبدالرحمن (۱۳۹۲). *القاهرة*. مصر: دارالمستقبل.
- سید، ایمن فواد (۲۰۰۷). *الدولة الفاطمیة فی مصر تفسیر جدید*. القاهرة: الهيئة المصریة العامة للكتاب.
- سید، ایمن فواد (۲۰۱۵). *القاهرة خطتها و تطورها العمرانی*. القاهرة: الهيئة المصریة العامة للكتاب.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۹۶۷). *حسن‌المحاضرة فی تاریخ مصر و القاهرة*. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. [بی‌جا]: دارأحیاء الكتب العربیة.

فروری، جی (۱۳۷۸). هنر و معماری، تاریخ اسلام کمبریج. ترجمه تیمور قادری. تهران: انتشارات مهتاب.
 فضلی، زینب (۱۴۰۲). ارزیابی کارنامه فاطمیان در عرصه شهرسازی مغرب. تاریخ اسلام و ایران. ۵۸ (۱۴۸). ۹۷-۱۲۵.

القلقشندی، أحمد (۱۳۳۲). صبح الأعشى. الجزء الثالث. القاهرة: دار الكتب الخديويه.
 کونل، ارنست (۱۳۸۴). هنر اسلامی. ترجمه هوشنگ طاهری. تهران: انتشارات توس.
 گرابار، آلف (۱۳۹۰). شهر در جهان اسلام. ترجمه مهرداد وحدتی. تهران: نشر بصیرت.
 لیون الإفريقی، حسن بن محمد الوزان الفاسی (۱۹۸۳). وصف إفريقيا. ترجمه محمد حمی و محمد الأخضر. بیروت: دار الغرب الاسلامی.
 مبارک پاشا، علی (۱۳۰۶). الخطط التوفيقية الجديدة لمصر القاهرة و مدنها و بلادها القديمة و الشهيرة. بولاق: مطبعة الكبرى الاميرية.
 محمدپور، محمد و دیگران (۱۳۹۹). سیر تحول شهرسازی در مصر از ورود اسلام تا پایان فاطمیان. تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران و اسلام، (۲)، ۱۱۷-۱۳۸.
 مسیحی، محمد بن عبیدالله (۱۹۸۰). أخبار مصر فی سنتین (۴۱۴-۴۱۵هـ). تحقیق ولیم ج. میلورد. القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
 المقریزی، تقی الدین (۱۹۹۵). المواعظ والاعتبار فی ذکر الخطط والاثار. حققها ایمن فواد سید. لندن: موسسه الفرقان للتراث الاسلامی.
 المقریزی، تقی الدین (۱۴۱۶). انعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء. تحقیق جمال الدین الشیال. القاهرة: المجلس الأعلى للشؤون الاسلامیة.
 مهري کرکوکي، محمد (۱۳۳۲). رحلة مصر والسودان. القجالة مصر: مطبعة الهلال.
 ناصر خسرو (۱۳۸۷). سفرنامه. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: انتشارات زوار.

Abu-lughod. Janet L. (1971). *Cairo 1001 Years of the City Victorious*. New Jersey: Princeton University press.
 AlSayyad. Nezar (2013). *Cairo Histories a City*. Cambridge, Massachusetts: The Belknap Press of Harvard University Press.
 Idem (1987). "Space in an Islamic City: Some urban design patterns". *Journal of Architecture and Planning Research*. vol. 4, no. 2. pp. 108-119.
 Idem (1999). "Virtual Cairo: An Urban Historian's View of Computer Simulation". *Leonardo*. vol. 32. no. 2. pp. 93-100.
 Idem (2011). *Cairo histories of a city*. Cambridge: Harvard University press.
 Behrens-Abouseif. Doris (1989). *Islamic Architecture in Cairo*. Leiden: Brill.
 Creswell. K. A. C. (1933). "The Foundation of Cairo", *Bulletin of the Faculty of Arts, University OF Egypt*. Vol. I, part 2. pp. 258-281.
 Hakim. Besim Selim (2008). *Arabic-Islamic Cities*. London and New York: Routledge.

- Kay. H. C. (1882). "Al Kāhirah and Its Gates". *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*. vol. 14. no. 3, pp. 229–45.
- Rogers. J.M. (1997), "al- Kāhira", *Encyclopaedia of Islam New Edition (EI²)*, vol. iv. Leiden: Brill.
- Russell. Dorothea (1964). "Are There Any Remains of the Fātimid Palaces of Cairo?". *Journal of the American Research Center in Egypt*. vol. 3, pp. 115–21.
- Williams. Caroline (2002). *Islamic Monuments in Cairo*. Cairo: The American University press in Cairo Press. 2002.

Transliteration

- al-Barrāwī, Rāšīd (1948). *Hālat Miṣr ul-Īqtisādīya fī 'Ahd al-Fāṭimīyyīn*. Cairo: Maktabat al-Nahḍa al-Miṣriyya.
- Al-Maqrīzī, Taqī al-Dīn (1995). *Al-Mawā'iz wa al-Ī'tibār fī ḍikr al-kīṭāṭ wa Al-āṭār*. Ed. Ayman Fu'ād Sayyid. London: Mu'assīsat al-Furqān lil-Turāṭ al-Islāmī.
- Al-Maqrīzī, Taqī al-Dīn (1995). *Ī'tāz ul-Ḥonafā' bi-Aḳbār al-A'ima' al-Fāṭimīyyīn al-kolafā'*. Ed. Jamāl al-Dīn al-Shayyal. Cairo: Al-Majlis al-A'lā lil-Š'un al-Īslāmīyya.
- Al-Qalqashandī, Aḥmad (1913). *Šobḥ ul-A'sā'*. Vol. 3. Cairo: Dār al-Kotob al-kadīwīyya..
- Al-Rafa'i, Anwar (1998). *History of art in Islamic lands*. Translated by Abdollahim Qanawat. Mashhad: jahād-e Dānešgāhī.
- Amin, Armindokht and others (2016). *Environmental Differences and Urban Structure of Fostat and Cairo*. historical studies of Islam. (34).
- Bloom, Jonathan and Blair, Sheila (2017). *Architecture of the Fatimid era and their contemporaries in Yemen, Sham, Jazeera, Swad*. Collection of art in Islamic civilization: architecture. Tehran: Samt.
- Connell, Ernest (2005). *Islamic art*. Translated by Houshang Taheri. Tehran: Tūs Publications.
- Fazli, Zeinab (1402). *Fatimid Cities of the Ifrīqiya: Evaluating the Achievements of the Fatimids in the urban development of Maghrib*. History of Islam and Iran. 58 (148). 97-125.
- Fryer, J. (1999). *Art and Architecture, Cambridge History of Islam*. Translated by Teimur Qaderi. Tehran: Mahtab Publications.
- Grabar, Oleg (2011). *Islam falth people culture*. Translated by Mehrdad Vahdati. Tehran: Našr-e al-Bašīrat.
- Ībn 'Abd ul-Zāhīr (1995). *al-Rawḍa al-Bahīyat ul-Zāhīra fī al-kīṭāṭ al-Mo'azzīya al-Qāhīra*. Ed. Ayman Fouad Seyed. Cairo: Maktabat al-Dār al-'Arabīya lil-Kīṭāb.
- Ībn Ayās, Moḥammad b. Ibrāhīm (2016). *Badā'ī' ul-Zzahūr fī waqā'ī' ul-Zohūr*. Ed. Mohammad Mostafa. Fiesbaden: Franz Steins Publishing House.

- İbn Doqmāq, Şārīm ul-Dīn İbrāhīm [n.d.]. *al-İntiṣār li-wāsiṭa 'Aqd ul-Amṣār*. Beirut: Manšūrāt al-Maktab al-Tijārī lil-Ṭibā'a wa al-Tawzī' wa al-Našr.
- İbn Ḥimmād, Abū 'Abdollāh Moḥammad b. 'Alī (1830). *Aḳbār molūk Banī 'Ubayd wa Sīratihīm*. Algeria: Maṭba'at jūl Carbonel.
- İbn Meīssar, Moḥammad b. 'Alī (1919). *Aḳbār Miṣr*. Ed. Henri Masse. Cairo: Maṭba'at al-Ma'had al-'İlmī al-Faransī.
- İbn Taghrībirdī, Yūsuf (1992). *Al-Nojom ul-Zāhira fī molūk Miṣr wa al-Qāhira*. The fourth part. The research of Mohammad Hossein Shamsuddin. Beirut: Dār ul-Kotob al-'İlmīyya.
- İbn Zūlāq, Ḥasan b. İbrāhīm (1999). *Faḍā'il Miṣr wa Aḳbārohā wa kawāṣṣohā*. Ed. Mohammad Ali Omar. Cairo: Maktabat ḳonjī.
- Jomar (1987). *Description of the City of Cairo and the Fortress of the Mountain*. Translated by Ayman Fawad Seyyed. Cairo: Publisher Maktaba Al-ḳonjī in Cairo.
- Lyon al-Afriqi, Hassan b. Mohammad al-Wazzan al-Fasi (1983). *A description of Africa*. Translated by Mohammad Khami and Mohammad al-Akhdar. Beirut: Dār al-ḡarb al-Islamī.
- Mehri-Karkuki, Mohammad (1332). *Journey to Egypt and Sudan*. Al-Qajala, Egypt: Al-Hīlal Press.
- Mobarak Pasha, Ali (1927). *The new conciliatory plans for Egypt, Cairo and its ancient and famous cities and countries*. Bulaq: Al-Kubra Al-Amīriyah Press.
- Mohammadpour, Mohammad and others (2020). *The evolution of urbanization in Egypt from the entrance of Islam to the end of the Fatimids*. History of the city and urbanization in Iran and Islam, (2), 117-138.
- Mosabbihi, Mohammad b. Ubaydallah (1980). *News of Egypt in two years (414-415 AH)*. Researched by William C. Milward. Cairo: Al-Ḥayyāt Al-Miṣry Al-A'ma' Al-Kītāb.
- Nāṣer ḳosrow (2008). *Safar-nāma*. With the efforts of Mohammad Dabirsiyaghi. Tehran: Zavvār Publications.
- Planhol, Xavier de (2011). *Les Fondements géographiques de l'histoire de l'Islam*. Translated by Abdollah Nasser Taheri. Tehran: Islamic History Research Institute.
- Raymond, Andrea (1994). *Al-Qāhira: Tārīkh ḥāḍira*. Trans. Latif Faraj. Cairo: Dār al-fīkr lil-dīrāsāt wa al-našr wa al-tawzī'.
- Rice, David Talbot (2002). *Islamic Art*. Translated by Mah-Malik Bahar. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Seyed, Ayman Fawad (2007). *The Fatimid Empire in Egypt, a new interpretation*. Cairo: Al-Hay'a al-Miṣriyya al-'Āmma lil-Kītāb.
- Seyed, Ayman Fawad (2015). *Cairo urban plans and developments*. Cairo: Al-Hay'a al-Miṣriyya al-'Āmma lil-Kītāb.
- Suyūṭī, Jalāl al-Dīn 'Abd al-Raḥmān (1967). *Ḥasan al-muḥāḍara fī tārikh Miṣr wa*

al-Qāhira. Ed. Mohammad Abolfazl Ibrahim. [n.p]: Dār Īḥyā' al-Kotob al-
‘Arabīyya.
Zaki, Abdolrahman (2012). Cairo. Egypt: Dār al-Mostaqbal.